

دولت‌های ورشکسته

نوآم چامسکی

پوپک محمعلی



فهرست

۱	مقدمه
۳	فصل اول ندیهی، هولناک، احتیاب ناپدیر
۵۵	فصل دوم دول‌های یاعی
۱۱۳	فصل سوم عمر قابویی، اما مشروع
۱۴۷	فصل چهارم گسترش دموکراسی نه آن سوی مررها
۲۳۳	فصل پنجم شواهد آشکار حاورمیانہ
۲۸۷	فصل ششم اشاعہی دموکراسی در داخل
۳۵۱	سخن پایانی
۳۷۱	اعلام

مقدمه

تشخیص مواردی که به لحاظ رفاه و حقوق بشر باید در اولویت قرار گیرند، طبعاً حرو ددعه‌های ذاتی بشر است، اما بعضی از آن‌ها ناگیر و احتساب‌ناپذیرند، زیرا به‌طور مستقیم به ادامه‌ی حیات و بقای انسان مربوط می‌شوند از این میان، می‌توان به سه مورد اشاره کرد: جنگ هسته‌ای، نلایای رست محیطی و این واقعیت که عملکرد حکومت قدرت برتر جهان به گونه‌ای است که احتمال وقوع این فحایع را افزایش می‌دهد، زیرا مردم در این حکومت نا عملکرد آن موافق نیستند، تأکید کلام بر خود حکومت است از این رهگذر، موضوع چهارمی نیز مطرح می‌شود که نه ملت آمریکا و جهان کاملاً ارتباط دارد یکی از دلایل وحشت و نگرانی که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و نیز شکاف عمقی بین افکار عمومی و سیاست عمومی ایجاد کرده، این است که نظام آمریکایی در کل دچار مشکل حدی است، یعنی حرکت آن در راستای پایان دادن به ارش‌های تاریخی از جمله برابری، آزادی و دموکراسی هدفمند است

نظام ایالات متحد دارای برخی از ویژگی‌های دولت‌های ورشکسته است تا دیدگاه و تصویری حدید را ایجاد کند که به‌طور قراردادی بر کشورهای اعمال

شده که به‌عنوان تهدیدی بالقوه سست به امید ما هستند (مانند عراق) یا برای بحات ملتی از تهدیدات درونی که به مداخله‌ی ما نیاز دارند (مانند هائیتی) اگرچه این مفهومی بوج و بی‌معناست، اما گویای برخی از ویژگی‌های اولیه‌ی دول‌های ورشکسته است. یکی از این ویژگی‌ها، عدم توانایی یا بی‌میلی این دول‌ها در حمایت از شهروندان‌شان در برابر خشونت و شاید حتا نابودی است و ویژگی دیگر، تمایل آن‌ها به این مسئله است که خود را فراتر از احزای قوانین داخلی یا بین‌المللی و در نتیجه، آزاد در اعمال خشونت و تهاجم در نظر می‌گیرند اگر این گونه دول‌ها از اشکال مختلف دموکراتیک برخوردار نباشد، از نقض شدید دموکراتیک رنج می‌برند که نهادهای رسمی دموکراتیک‌شان را از دموکراسی واقعی بی‌بهره می‌سازد.

یکی از سخت‌ترین و مهم‌ترین وظایف هر فرد، صادقانه نگرستی در آیین است اگر ما به خود احاره‌ی انجام چنین کاری را دهیم، در آن صورت، نا مشکل چندانی در یافتن ویژگی‌های دول‌های ورشکسته، آن هم در داخل مواحه نخواهیم بود چنین شاحتی از واقعیت برای آن‌هایی که برای کشورهای خود و سسل‌های آینده اهمیت قابلند، بسیار مشکل است ما در اس‌حا کشور را به صورت جمع، یعنی «کشورها» آورده‌ایم که این به‌تنها به‌حاطر قدرت فرایده‌ی ایالات متحد، بلکه به این خاطر است که تهدیدات در رمان یا مکان متمرکز شده‌اند.

بیمه‌ی اول این کتاب بیش‌تر به افزایش تهدید به نابودی توسط قدرت ایالات متحد اختصاص یافته که درصدد نقض حقوق بین‌المللی است مسئله‌ی نقض حقوق به‌شدت مورد توجه شهروندان قدرت مسلط جهان است، ولی نا وجود این، آن‌ها سر نا تهدیداتی مشابه مواحه‌اند بخش دوم کتاب به نهادهای دموکراتیک، برداشت فرهنگ بحنگان از این نهادها و چگونگی شکل‌گیری این نهادها در عالم واقعیت می‌پردازد؛ هم در رابطه نا گسترش دموکراسی در حارج از کشور و هم شکل‌گیری آن در محیط داخلی این موضوعات کاملاً به هم مرتبط هستند و کاربردهای گوناگونی دارند.

حدود بیم قرن پیش در حولای ۱۹۵۵، برتراند راسل و آلرت ایشتاین، از مردم جهان تقاضای عحیی کردند آن‌ها از مردم حواستند که ابرار احساسات شدید در خصوص بسیاری از مسائل را کنار نگذارند و خود را تنها به‌عنوان عصوی از گونه‌ی موحودات نا پیشیه‌ی بی‌بطیر نداند که هیچ یک از ما تمایل به ناودی آن‌ها ندارد در این‌جا جهان ناگریه‌ی «ندبھی، هولباک و احتتاب‌ناپدیر» مزارعه رونه‌رو است، «آیا ناید به رورآرمانی‌های نشری حاتمه دهیم؟» یا «آیا نشر ناید دست از حگیدن نکشد؟»

جهان دست از حگ نکشیده، بلکه مدام در حال حگیدن است در حال حاضر، قدرت هژمونیک جهان بر اساس دکترین «دفاع مشروع پیش‌دستانه» و بدون هیچ حد و حصری و به‌طور آزاد، برای خود حق حگیدن قائل است حقوق بین‌الملل و معاهدات و قواس مربوط به نظم جهانی، به همه‌ی کشورها تحمیل می‌شوند، اما در ایالات متحد به حقوق و معاهدات بین‌المللی و قواعد نظم جهانی هیچ گونه توحهی نمی‌شود و در بسیاری موارد آن‌ها را نادیده می‌گیرند، طوری که این حقوق و قواعد در دولت‌های ریگان و بوش پسر سربوشته‌های تاره‌ای داشتند

یکی از بندهای اخلاقی اولیه، اصل کلیت است. ما باید همان معارها و الگوهای را در مورد خود نه کار سریم که در مورد دیگران بیز اعمال می‌کنیم. بر اساس تفسیری حالت در فرهنگ معنوی عرب، اصل کلیت در اغلب مواقع نادیده گرفته می‌شود و اگر در مواقعی بیز مورد توجه قرار گیرد، آن را به عنوان اصلی طالمانه و تهاجمی محکوم می‌کند برای کسانی که پرهیزکاری دینی خود را نه رح می‌کشند و در انجیل به حداقل تعریفی از ریاکاری بر حورده‌اند، نادیده گرفتن اصل کلیت، بسیار شرم‌آور است.

مفسران تنها نا تکیه بر منطق والا و ادارمان می‌کند اخلاص بی‌آلایش اخلاقی و آرمان‌گرایی در رهبری ساسی را تمجید کنیم تنها نا تکیه بر یکی از مثال‌های بی‌شمار، فلیپ رلیکو^۱، پژوهشگر معروف، مرکزیت حدید اصول اخلاقی در دولت بوش را از منطق دولت و این واقعیت منعد استساط می‌کند که عبارت است از پیشنهاد افزایش توسعه‌ی همکاری، که بخشی از آن توسط کشورهای ثروتمند و در رابطه با مسائل اقتصادی آن‌ها است.

این منطق در عمل بیز بسیار تاثیرگذار است رئیس‌جمهور در مارس ۲۰۰۲ و هنگام تاسیس موسسه‌ی چالش هرازه، به‌منظور افزایش بودجه برای مبارزه با فقر در کشورهای در حال توسعه، اظهار کرد «من عمیقاً نه اس تعهد پایبدم» در سال ۲۰۰۵ و زمانی که دولت بوش بودجه‌ی اختصاص یافته نه مؤسسه را میلیاردها دلار کاهش داد، موسسه این بیایه را از وب‌سایت خود حذف کرد حفری ساکس^۲ افساددان می‌بویسد «پس از شکست در پیشرد برنامه‌ها و عدم پرداخت حتا ده میلیارد دلاری که در ابتدا قول آن داده شده بود، رئیس مؤسسه استعفا کرد در همان حس، بوش پیشنهاد تلفی توبی بلر، بحست‌وریر برتانبیا، مسی بر دو برابر کردن میران کمک نه آفریقا را رد کرد و تمایل خود نه پیوستن نه سایر کشورهای صنعتی در قطع اعطای وام‌های بلاعوض نه آفریقا را ابرار کرد، که کاهش کمک به آفریقا به معنای صدور حکم مرگ بیش از شش ملیون آفریقایی در سال

است که نه دلایلی می‌میرند که قابل احتساب و قابل درمان است» هنگامی که جان بولتون^۱، سفیر حدید بوش، مدتی پیش از آغار احلاس سران ۲۰۰۵ پا نه سازمان ملل گذاشت، در ابتدا حواستار حذف همه‌ی پی‌آمدهای عبارت «اهداف توسعه‌ی هرازه» از سندی شد که پس از مذاکرات طولانی برای مبارزه‌ی نا فقر، تعیص حسستی، گرسنگی، تحصیلات ابتدایی، مرگ و میر کودکان، سلامت مادران، محط ریست و سماری، و نا دقت تمام آماده شده بود.

ما همیشه نه منطقی بودن و منطقی داشتن تشویق می‌شویم و حلوص افراد منطقی را تحسین می‌کسم، حتا زمانی که آن‌ها طوری عمل می‌کند که نظر الکسی دو توکویل^۲ را نه یاد ما می‌آورد، «آمریکا می‌توانست تعیص سرح‌بوستان را بدون نقص اصول اخلاقی در برابر چشم جهانیان ریشه‌کن کند»

دکترین‌های حکومتی اغلب «الگوی مصاعف» نامیده می‌شوند که اس اصطلاحی گم‌راه‌کننده است صحیح‌تر است آن‌ها را به‌عنوان الگوی منعد، واضح و عاری از اشتباه توصیف کنیم، الگویی که آدام اسمیت آن را شعار فرومایه‌ی رهبران نوع بشر می‌خواند یعنی همه برای خودمان و هیچ برای دیگران از زمان آدام اسمیت تا کنون نساری چرها تعییر کرده، اما این شعار فرومایه همچنان در اوح است.

الگوی منعد نه حدی بهادیه شده که در ورای آگاهی است در حال حاضر، باید ترور یا حسوت را به‌عنوان موضوع اصلی رور در نظر گرفت در این‌جا یک شعار واحد و صریح وجود دارد، حسوت آن‌ها در مقابل حسوت ما و حامیان ما، بهایت شرارت است، در حالی که حسوت ما در برابر آن‌ها اصلاً وجود ندارد یا اگر هم وجود دارد، کاملاً نه‌حا است. یک مثال کاملاً واضح، حنگ تروریستی واشینگس در مقابل نیکاراگونه در دهه‌ی هشاد است که حداقل برای آن‌هایی که معتقدند دیوان بین‌المللی دادگستری و شورای امیت سازمان ملل متحد - که هر دو، عمل ایالات متحد را محکوم کردند - بر ادامه‌ی کاربرد و اعمال

1 John Bolton

2 Alexis de Tocqueville

1 Philip Zelinkow

2 Jeffrey Sachs